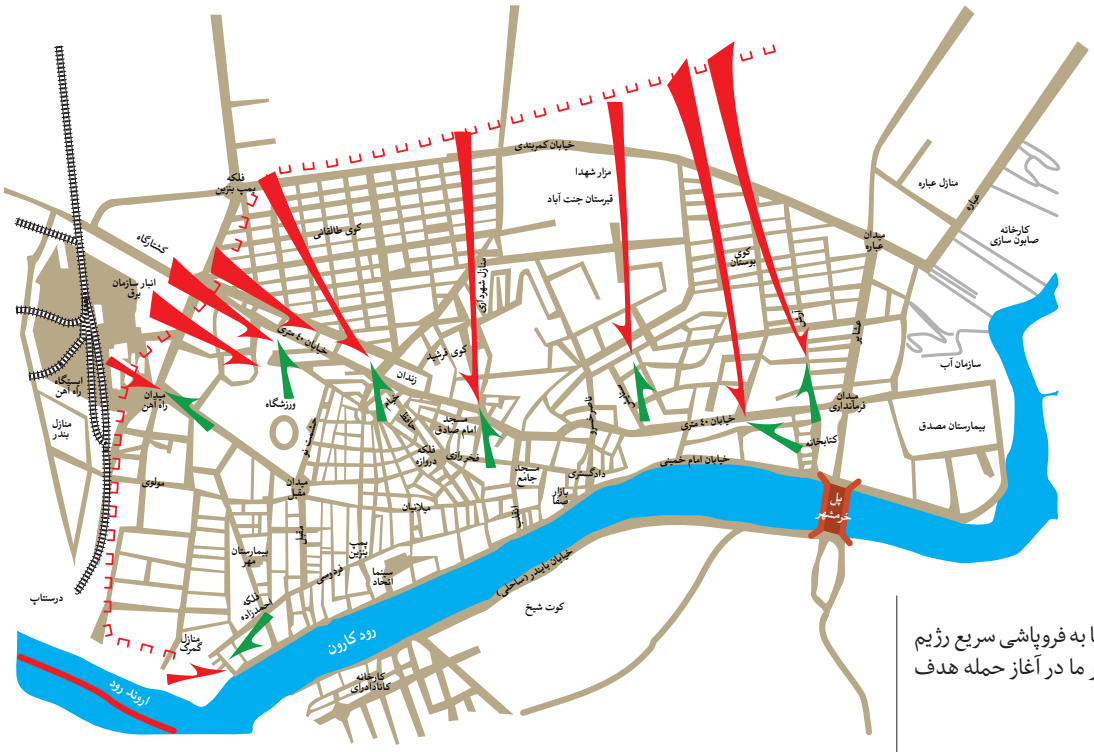

نقشه‌ی حمله‌ی پرشمار نظامیان صدام در ۲۴ مهر ۵۹ برای پایان دادن به مقاومت. فلش‌های قرمز مربوط به تهاجم است و فلش‌های سبز به مقاومت. در این روز خرمشهر خونین‌شهر نامیده شد.

عراق، می‌گفت: «خوش‌بینی ما به فروپاشی سریع رژیم تهران به حدی بود که سه لشکر ما در آغاز حمله هدف مشخصی نداشتند.»

دفاع جانانه

در طراحی‌های ارتش بعث، خرمشهر در دسترس‌ترین هدف شهری در جبهه‌ی جنوب خوزستان محسوب می‌شد که بنا بود به سرعت اشغال شود و پس از آن آبادان را نیز بگیرند. اما اشغال خرمشهر برای مهاجمان بسیار سخت و پرتلفات به سرانجام رسید.

نه تنها در منابع ایرانی که در تمام روایت‌های خارجی نیز مقاومت برای حفظ خرمشهر پررنگ‌ترین واقعه‌ایست که در هفته‌های ابتدایی جنگ به آن پرداخته شده است. کان کاگلین در کتاب «صدام» می‌نویسد: «تلفات سنگینی که ارتش عراق در حمله به خرمشهر متحمل شد به این معنا بود که عراقی‌ها نخواهند توانست آبادان را که در ۱۵ کیلومتری جنوب خرمشهر قرار دارد، بگیرند. این عقب‌گردی جدی بود زیرا عدم فتح آبادان به این معنا بود که عراقی‌ها در تحقق یکی از هدف‌های اصلی‌شان شکست خورده‌اند.»

ژنرال حمدانی، از فرماندهان گارد ریاست‌جمهوری عراق می‌گوید: «اشغال خرمشهر بسیار خونین و مرگبار بود که دو طرف در آن تقریباً هفت‌هزار کشته دادند. فتح خرمشهر را بر عهده‌ی نیروهای ویژه‌ی ما گذاشته بودند. صادقانه بگویم ایرانی‌ها در این نبرد جانانه مقاومت کردند و اشغال این شهر برای ما پرهزینه و بسیار مشکل شد. آن‌ها از هر محله تا سر حد مرگ دفاع کردند و توانستند تلفات سنگینی به نیروهای ما وارد کنند.»

جنگ و انسانیت

در میان مدافعان خرمشهر بهروز مرادی معلم خرمشهری بود که همراه دانش‌آموزانش از شهر دفاع می‌کرد. معلمی با ذوقی سرشار و هنرمند. مرتضی مصطفوی می‌گوید: «داستان بهروز مرادی سرشار است از مفاهیم انسانی و تکان‌دهنده. بهروز مرادی در گیرودار جنگ مرغ و خروس‌ها و بعضی از حیوانات محلی را در جایی جمع کرده بود و هنگام فراغت از جنگ برایشان نان خشک یا علف تهیه می‌کرد و به آن‌ها رسیدگی می‌کرد.» در آستانه‌ی آزادی شهر نیز تابلوی معروف «به خرمشهر خوش آمدید، جمعیت ۳۶ میلیون نفر»، را بهروز مرادی نوشت و در دروازه‌ی ورودیِ شهر نصب کرد.